

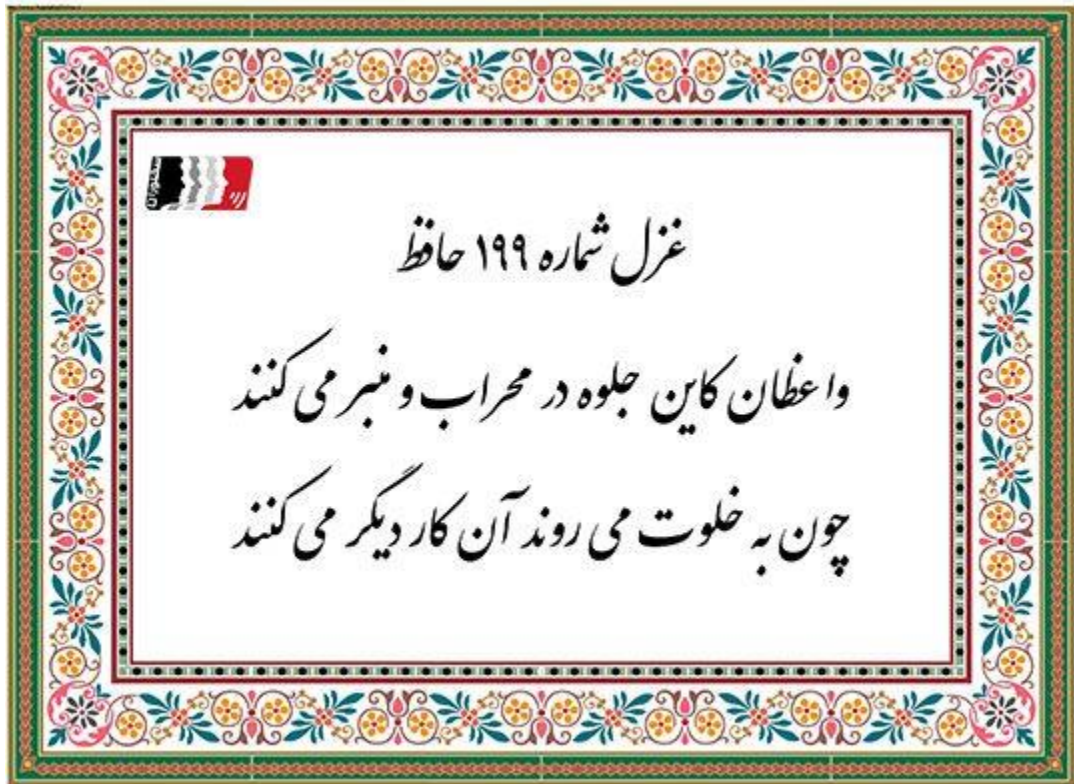
متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۱۹۹ حافظ

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند  
چون به خلوت می روند، آن کار دیگر می کنند!

غزل ۱۹۹ حافظ با واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند آغاز می شود. وزن غزل واعظان کاین جلوه در محراب ، فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات (بحر رمل مثنی مقصور) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. در شرح و تفسیر از کتاب شرح سودی بوسنوی ، شرح حافظ دکتر خطیب رهبر، دکتر عبدالحسین جلالیان و شرح شوق دکتر حمیدیان بهره گرفته شده است.

آنچه در ادامه می خوانید:

- ۱- متن غزل
- ۲- شرح و تفسیر غزل
- ۳- معنی غزل و لغات



متن غزل ۱۹۹ حافظ

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند  
چون به خلوت می روند، آن کارِ دیگر می کنند!

مشکلی دارم، ز دانشمندِ مجلس باز پرس:  
توبه‌فرمایان چرا خود، توبه کمتر می کنند؟

گوییا باور نمی دارند روزِ داوری  
کاین همه قلب و دَغَل در کارِ داور می کنند!

یا رب، این نُودولتان را بر خَرِ خودشان نشان  
کاین همه ناز از غلامِ تُرک و اَسْتَر می کنند

ای گدایِ خانقَه، بَرَجَه! که در دیرِ مغان  
می دهند آبی که دل‌ها را توانگر می کنند

حُسنِ بی‌پایانِ او، چندان که عاشق می کُشد  
زمره دیگر به عشق از غیب سر برمی کنند

بر درِ میخانه عشق، ای مَلک، تَسبیح گوی!  
کآندر آنجا طینتِ آدمِ مُخَمَّر می کنند

صبحدم از عرش می آمد خُروشی، عقل گفت:  
قدسیان گویی که شعرِ حافظ از بر می کنند

شرح و تفسیر غزل ۱۹۹ حافظ

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند  
چون به خلوت می روند، آن کارِ دیگر می کنند!

واعظ: [ع] مسأله گو. مجلس گوی. پنددهنده. نصیحت کننده

جلوه: [ج و / و] تظاهر، نمود

محراب: [م] اینجا به معنای جای امام در مسجد است که می ایستد یا می نشیند و سخنرانی می کند

منبر: [م ب] کرسی مانند پایه دار که واعظ و خطیب بر بالای آن نشستند خطبه خواند و موعظه کند

معنی بیت: واعظان و خطیبان که این حرف و حدیث و پندها را روی منبر و محراب می خوانند و به مردم می گویند، وقتی به خلوت خود می روند بر خلاف گفته های خود عمل می کنند.

---

مشکلی دارم، ز دانشمندِ مجلس باز پرس:  
توبه فرمایان چرا خود، توبه کمتر می کنند؟

مشکل: [م ک] ابهام، مساله، بغرنج

دانشمند: [ن م] در بیشتر موارد منظور از دانشمند در دیوان خواجه، فقیه دینی است

توبه فرمایان: کنایه از واعظان و زاهدان است

معنی بیت: سوال و مساله ای دارم و آن را از فقیه مجلس بپرس که چرا واعظان و خطیبان که دیگران را به توبه از کارهای ناشایست دعوت می کنند، خودشان اهل توبه نیستند.

---

گوییا باور نمی دارند روز داوری  
کاین همه قلب و دغل در کار داور می کنند!

گوییا: گویی . گویا . پنداری . ظاهراً . مثل اینکه . مانند اینکه

روز داوری: [ز و] روز قیامت

قلب: [ق] تقلب

دغل: [د غ] مکر و حيله

معنی بیت: به نظر می رسد که این خطیبان و زاهدان اعتقادی به روز قیامت ندارد که این چنین قرآن خدا را دام تزویر و ریا و مکر و حيله برای دیگران می کنند.

---

یا رب، این نودولتان را بر خرِ خودشان نشان  
کاین همه ناز از غلامِ تُرک و آستر می کنند

نودولت [ نَ / نُدْ / دُلْ ] مردم بداصل نانجیب تازه به دولت رسیده . آنکه تازه به مال و جاه رسیده . نوکیسه . ندیدبدید. تازه به دوران رسیده

بَرِ خَرِ خُودشانِ نشان : مکافات عمل کسی را دادن، سر جای خودشان بنشان، به جایی که استحقاق دارند برگردان

ناز : تفاخر، افاده

غلام ترک : [ غُتْ ] برده ترک

استر : [ آتْ ] چارپائی بارکش و سواری که پدر او خر و مادرش اسب است

معنی بیت : خدایا این تازه به دوران رسیده ها و نوکیسه ها را که به مال و بردگان و چارپایانشان می نازند و تفاخر می کنند را ادب کن و سر جای خودشان بنشان.

---

ای گدایِ خانقَه، بَرَجَه! که در دیرِ مُغان  
می دهند آبی که دل ها را توانگر می کنند

گدای خانقه: [ گِ نِ قَ ] منظور صوفیان خانقاه است

برجه : [ جَ / جِ ] فعل امر از جهیدن، جستن، سریع رفتن

دیرِ مُغان : منظور میکده است

آب : اینجا منظور شراب است

توانگر : [ تَ گَ ] بی نیاز

معنی بیت : حافظ در این بیت با کنایه به صوفیان خانقاه می گوید که بجنبید و از خانقاه بیرون آیید و به میکده بروید که آنجا شراب عشق می دهند و هر کس از آن بنوشد پادشاه عالم می شود از هر چیزی بی نیاز می گردد.

---

حُسْنِ بِي پايانِ او، چندان که عاشق می‌گُشد  
زمرهٔ ديگر به عشق از غيب سر برمی‌کنند

حسن بی پایان: [حُ سُنْ] جمال و زیبایی بی حد و اندازه

زمره: [زُر] گروه

سر برکردن: [سَبَ كَدَا] ظاهر شدن

معنی بیت: با اینکه عاشقان بسیاری در سودایِ عاشقیِ جمال و زیبایی بی حد و اندازه جانان، سر باختند، باز هم عاشقان دیگری پیدا می شوند و جان فدای یار می کنند.

---

بر در میخانهٔ عشق، ای مَلَك، تَسْبِيحِ گوی!   
کَاندَر آنجا طيْنَتِ آدَمِ مُخْمَرِ می‌کنند

ملك: [مَلَا] فرشته

تسبیح: [تَا] نیایش، ذکر خدا

طینت: [نَا] سرشت. فطرت. گل آدمی

مخمر: [مُخَمَمَا] سرشته شده، مخلوط کردن آب با گل

معنی بیت: ای فرشته، بر در میخانه، ذکر خدای را به جای آور که در آنجا خاک آدمی را با شراب عشق مخلوط می کنند و عشق را در سرشت بشر قرار می دهند.

---

صبحدم از عرش می آمد خُرُوشی، عقل گفت:

قدسیان گویی که شعرِ حافظ از بر می‌کنند

عرش: [عَا] تخت و سریر پادشاه. تخت رب العالمین که تعریفش کرده نشود و کیفیت آن و بیان حد آن در شرع جایز نباشد. و گویند یاقوت سرخ است که از نور حق تعالی می درخشد

خروش: [خُ] غوغا، شور، همهمه و هیاهو، ندا

قدسبان: [قُ] جمع قدسی . فرشتگان و صلحاء و اولیاء الله و روحانیان

از بر می کنند: حفظ می کنند

معنی بیت: هنگام سحر، شور و غوغا و قیل و قالی از ملکوت اعلی بلند شد. عظم گفت به نظر می رسد این صدای ملایک و فرشتگان است که مشغول حفظ کردن غزل های حافظ هستند.

---

نویسنده: دکتر زند